

لقمه‌هایی که هر روز کوچک‌تر می‌شود

۶ دهک با فقر روزگار می‌گذرانند

دو سال پیش زیر چنگال اعتیاد جان داده و حالا او مانده و سه فرزندش. بساط ناهار عطیه، یک پیاله کنک است که از فرط آب زیاد، رنگی بر رخ ندارد. او زندگی‌اش را با خیاطی می‌گذرانده و بعد از گرانی‌ها و کرونا، بساطش چندان جور نیست، نه سفارش زیادی هست و نه پولی. گرانی‌ها هم هر قدر بخوانند در حال تاختن است.

عطیه تکه‌های کوچک نان بربری را توی آب کشک فرو می‌کند و می‌گذارد دهان اسما- کوچک‌ترین فرزند عطیه- با پاهای برهنه و نحیف، با اینکه پنج بهار را گذرانده، مثل یک کودک دوساله است. عطیه چشم‌هایش را می‌گرداند سمت نگاه‌های علی و سمیه و به آنها اجازه خوردن می‌دهد. بچه‌ها بدون اینکه تأخیر کنند، لقمه‌ها را می‌تپانند توی دهانشان.

برای علی، محسن، عاطفه و خیلی‌های دیگر که نام کارگر را یدک می‌کشند، زندگی‌ها شبیه هم است. کارگرهایی که حالا زیر خط فقر، روزگار می‌گذرانند. کارگرهایی که یا بی‌کار شده‌اند یا اگر کار دارند، با حقوق کمتر از پایه به سختی سید خانوارشان را پر می‌کنند. اگر اعتراضی هم داشته باشند یا شکایت کنند، باید یه بی‌کاری را به دلشان بزنند. آنها با قراردادهای سفیدامضا کار می‌کنند تا در روزهایی که گرانی دست بر گلوی معیشت کارگران گذاشته و این روزها گوشت و مرغ و لبنیات لاکچری‌تر از همیشه است، با حقوقی بخور و نمیر بگذرانند.

«گرستگی، بی‌پولی، فکر، خستگی، فکر می‌کنی چطور باید بگذرانیم؟ وقتی اجازه‌نشین هم باشی و بچجات بخواهد درس بخواند». حسن می‌گوید. کارگر تراشکاری است و روزی ۱۰۰ هزار تومان اگر کار باشد و همه چیز بر وفق مراد، دستش را می‌گیرد. این تنها شامل حسن نمی‌شود. معصومه با سه تا بچه شده سرپرست خانوار و حالا با کارکردن در خانه این و آن روزگار می‌گذراند: «فکر می‌کنی چطوری پول جور می‌کنیم؟ هر کاری که شد، هر جور که شد». حرفش ناتمام می‌ماند. بغض سنگینی نمی‌گذارد که ادامه بدهد: «خودم را از امتیاد پس گرفتم تا زندگی شرافتمند داشته باشم. حالا با یک حقوق بخور و نمیر مستخدمی با دو تا بچه می‌شود چه کار کرد؟ شوهرم معتاد بود افتاد زندان. من معتاد بودم، پاک شدم. هر روز دلم می‌خواد بمیرم. زندگی من شده درد و مرض».

تار و پود زندگی او در دورانی که تورم، روزانه بالا می‌رود،



در حال از هم گسستن است و دیگر بارانه‌های ناچیز هم کفاف زندگی‌اش را نمی‌دهد. او و امثال او شامل ۶۰ میلیون نفر از جمعیت ایران می‌شوند که گاهی اوقات به بارانه ناچیز هم وابسته می‌شوند. دردناک‌تر اینکه باید اجاره بدهند و بیشتر حقوقشان هم می‌رود بالای اجاره و وام و هزاران سوراخ دیگر که در زندگی‌هایشان دهان باز کرده است.

حالا با یک حساب سرانگشتی می‌توان فهمید که خط فقر غذایی این روزها افراد بسیاری را درگیر کرده است. دهک‌هایی که در جایگاه تعدیل نیروها قرار گرفته‌اند و با یکه‌تازی کرونا به جمع ۹ میلیون بی‌کار دیگر پیوستند و بعد از کرونا هم با تورمی روبه‌رو شدند که سفره‌هایشان را خالی‌تر کرد. با این اوصاف، در سه سال اخیر، عملاً گوشت و مرغ از سفره ایرانی‌ها حذف و درنهایت خوش‌بینی سیب‌زمینی، قارچ و سویا جایگزین مصرف گوشت شد. این در حالی است که قیمت تن ماهی در طول یک سال گذشته از ۲۰ هزار تومان به ۴۰ به ۶۰ هزار تومان رسیده است، در واقع هر خانواده چهارنفری با فرض اینکه هر روز صبحانه نان و کره و ناهار عدس‌پلو (بدون کشمش یا گوشت چرخ‌کرده) و شام تخم‌مرغ و سیب‌زمینی بخورند، ماهانه باید چیزی بیش از دو میلیون برای همین سه وعده غذایی هزینه کنند. این در حالی است که حداقل دستمزد نیروی کار در ایران آنقدر نیست که بتواند هم اجاره‌بها را تأمین کند و هم هزینه درصد از جمعیت کشور زیر خط فقر چندبعدی قرار گرفته‌اند و خط فقر از ۹۵۰ هزار تومان در سال ۹۰ به ۱۰ میلیون تومان در سال ۹۹ رسیده است.

طبق اعلام وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برآورد هزینه مسکن خانوار مستاجر شهرنشین روی خط فقر تا اردیبهشت امسال نیز به‌طور متوسط حدود دودمیلیون و ۴۵۴ هزار تومان است. با این حساب، شش دهک باقی می‌ماند که در برابر رفح نیازهای اولیه خود بی‌دفاع هستند و به همین سادگی باید سفره‌هایشان را کوچک کنند تا بتوانند دوام بیاورند.

حقوق حیوانات

درس‌های کرونا برای ارتباط انسان و حیوان

سپهر سلیمی: با فروکش کردن موج بیماری کووید۱۹ در جهان و در شرایطی که جهانیان تصور می‌کنند این بیماری در حال خداحافظی است، فرصت مناسبی پیش آمده که نگاهی داشته باشیم به آنچه این بیماری به ما آموخت. بیماری‌ای که همچنان بر سر منشأ ظهور آن بحث‌های جدی مطرح است؛ از تولید آن در آزمایشگاه‌های مخفی چین تا ویروس جهش‌یافته بر اثر خوردن و تماس با خفاش یا پنگوئن. کووید۱۹ اگرچه در ماه‌های ابتدایی ظهورش به واسطه تعطیلی صنایع و خالی‌شدن شهرها، فرصتی برای نفس‌کشیدن زمین و حتی بازگشت حیوانات وحشی به برخی از سکونتگاه‌های انسان را فراهم کرده بود اما در ادامه با ظهور مشکلات اقتصادی موجب آسیب بیشتر به محیط زیست و زمین شد. در ابتدای شیوع کرونا تصور می‌شد بشر فرصتی برای بازنگری نسبت به رفتار خود با زمین و اهالی زمین به دست آورده و شاهد تغییر رویکرد و برخورد با موجودات زنده خواهیم بود اما مانند همیشه بشر فراموشکار به رويه قبل بازگشت. در این یادداشت به برخی از مهم‌ترین درس‌های کرونا اشاره می‌کنم.

فاصله اجتماعی را حفظ کنید؛ این یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین شعارها و پیام‌هایی بود که در دوران کرونا شنیدیم. حفظ فاصله مناسب بین انسان‌ها و همچنین بین انسان و حیوانات از مهم‌ترین آموزه‌های کروناست. حفظ فاصله با حیوانات موجب کاهش رنج این حیوانات می‌شود و از الزاماتی است که آینده محیط زیست به آن وابسته است. عامل پاندمی بعدی، چه باکتری باشد یا ویروس، به احتمال خیلی زیاد از یک حیوان به انسان منتقل خواهد شد. میلیون‌ها ویروس در بدن حیوانات وجود دارد که انسان‌ها هرگز با آنها سروکار نداشته‌اند. افزایش تعامل با حیوانات و خوردن آنها سبب انتقال این عوامل بیماری‌زای جدید به انسان خواهد شد. پرورش حیوانات برای مقاصد خوراکی و تجارت حیوانات خاص (اکزوتیک) را می‌توان پاشنه آشیل بشر در مقابل پاندمی‌های بعدی دانست. علاوه بر پاندمی‌ها، مقاومت آنتی‌بیوتیکی و بیماری‌های عفونی، چالش‌های جدی در رابطه با سلامت بشر هستند که علت اصلی آن خوردن بیش از حد و بدون دلیل آنتی‌بیوتیک‌ها به حیوانات پرورشی است. پرورش حیوانات در مقیاس صنعتی در همه جوامع رایج است و در نزدیکی محل زندگی همه ما انجام می‌شود و این امر باعث می‌شود عوامل بیماری‌زا بتوانند به‌راحتی به انسان‌ها منتقل شوند.

بنابراین منطقی به نظر می‌رسد که دولت‌ها در کنار همه طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی و بهداشتی‌ای که برای مقابله با اثرات پاندمی ارائه می‌کنند، تشویق مردم به مصرف غذاهای پایدارتر و با منشأ گیاهی را نیز در دستور کار خود قرار دهند و در این زمینه از سازمان‌های غیردولتی، فعالان محیط زیست و حقوق حیوانات کمک بگیرند. به‌طور کلی می‌توان گفت نگاه کالانتگرانه به حیوانات و هرگونه استفاده ابزاری از آنها، علاوه بر اینکه ناعادلانه و غیراخلاقی است، می‌تواند سلامت و حتی بقای نسل بشر را در معرض خطر قرار دهد. استفاده از حیوانات در آزمایشگاه‌ها نیز خطر شروع یک همه‌گیری را افزایش می‌هد؛ برای مثال می‌دانیم که بیماری «آبله میمون» برای اولین بار در سال ۱۹۸۵ و در جوامعی از میمون‌ها که برای انجام آزمایش توسط انسان نگهداری می‌شدند، دیده شده است.

در آخر می‌توان گفت بهتر است این واقعیت را بپذیریم که سلامتی ما انسان‌ها به سلامت حیوانات و محیط زیست گره خورده است و این دو هرگز از هم قابل تفکیک نیستند. پذیرش و درک این مسئله از سوی مردم می‌تواند بر انتخاب‌های شخصی آنها اثر بگذارد و منجر به بهبود وضعیت حیوانات، ارتقای سلامت عمومی و حفظ محیط زیست شود.

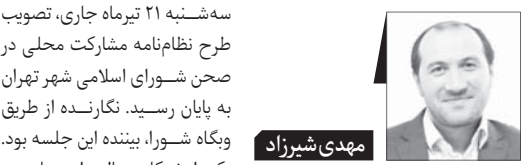
چاهی به نام نظام‌نامه مشارکت محلی

شاهد مواردی بودیم که فرد شاکی از طریق دیگری به کد ملی دبیر هیئت امانا یا مدیر محله دست پیدا کرده بود و با اخذ رای محکومیت ایشان، باعث شده بود خودرو یا حساب‌های بانکی ایشان توقیف شود. شهرداری نیز هیچ مجوز و امکان حقوقی برای کمک و دفاع از این افراد نداشت. حتی قراردادی که از سوی معاونت اجتماعی با اخذ مجوز از مراجع مربوطه با یکی از شرکت‌های شهرداری برای رسیدگی حقوقی به این پرونده‌ها بسته شده بود نیز در دوره جدید لغو شد و عملاً در این دوره مدیران محلات بدون پشت و پناه به حال خود رها شدند. با آنچه در شورا تصویب شد، اعضای هیئت امانا، به‌خصوص دبیران آنها، در معرض چنین تهدیدهایی هستند.

اما غیرحقوقی‌ترین بخش مصوبه دیروز شورا، بند مربوط به امین اموال بود. نکته جالب این بود که به رغم تذکرات نسبتاً دقیق و حقوقی که برخی اعضا در صحن دادند، رئیس جلسه بدون توجه، اصرار به رای‌گرفتن داشت. همین نحوه اداره جلسه به‌خوبی نشان می‌دهد غرض از این مصوبه، انجام یک کار نمایشی و فراهم‌آوردن یک فرصت سیاسی است؛ وگرنه یک شورای نماینده مردم، چنین متن نامسئوم، پذیرش و درک این مسئله از سوی مردم می‌تواند بر انتخاب‌های شخصی تعدادی از شهروندان و کارکنان شهرداری به مخاطره بیفتند.

به موجب مصوبه روز سه‌شنبه، یکی از کارکنان شهرداری امین اموال سرای محله خواهد شد؛ بدون اینکه حق دخالتی در امور سرای محله داشته باشد. به بیان دیگر، ابزار کار را در اختیار کسی گذاشته‌اند (امین اموال) و اختیار و اجازه استفاده از این ابزار را در اختیار کسی دیگر (مدیر محله). همین دوگانه نامعقول، منشأ تنش‌های انسانی فراوانی بین مدیران محلات و امین‌های اموال خواهد شد. مدیر محله عملاً اجازه جابه‌جاکردن حتی یک صندلی را نخواهد داشت. امین اموال هم حق مداخله درباره نحوه استفاده از اموال را نخواهد داشت. ظاهر قصه این استس که ما مدیران محلات را از دادن سته و پذیرش مسئولیت معاف کرده‌ایم؛ اما در اصل، اساساً چیزی از مدیر محله بیش از یک اسم باقی نگذاشته‌اند. درخصوص انتخابش، او دیگر در یک فرایند فرایم و عام انتخاب وضعیت حقوقی شورای محله نشده‌اند و عملاً به‌گونه‌ای این طرح را تصویب کردند که بازم هم هیچ مسئولیتی متوجه شهرداری تهران نباشد. در بحث ماده سه، در بند مربوط به بازرس، امانی، عضو شورا، یکی از استدلال‌هایی که در دفاع از پیشنهادش اقامه کرد این مضمون بود که «بازرس، کارمند شهرداری نباشد تا محملی ایجاد نشود که شکایت‌های بیمه و… متوجه شهرداری تهران شود!». پیشنهاد او این بود که بازرس منتخب هیئت امانا باشد. درنهایت هم این پیشنهاد با تغییراتی رای آورد.

با آنچه به تصویب رسیده، به نظر می‌رسد در عمل، مسئولیت حقوقی امور اداری و منابع انسانی سراهای محلات متوجه هیئت امانا خواهد شد. مسئولیت حقوقی اموال و املاک در اختیار سرای محله نیز متوجه امین اموال خواهد شد. هیئت امانا، تقریباً در جایگاه کارفرمای مدیر محله قرار گرفته است؛ چون حکم او را هیئت امانا (احتمالاً دبیر آن) صادر می‌کند. بنابراین پس از این احتمالاً اعضای هیئت امانا، به‌خصوص دبیر آن، در معرض این تهدید هستند که طرف شکایت‌هایی باشند که در مراجع مربوطه در موضوعات حقوق، دستمزد و بیمه، توسط مدیران محلات برکنار شده یا کارکنان سرای محله، طرح دعوا می‌شوند. در دوره‌ای که بنده در ستاد مدیریت محله شهرداری تهران مسئولیت داشتم، بارها محل رجوع مأموران تأمین اجتماعی بودم برای اینکه کد ملی و مشخصات دبیران شوراییاری محلات را در اختیار ایشان بگذارم؛ دقیقاً با همین استدلال که در دوره‌ای نمود، باز اشخاص محلات را این اشخاص صادر کرده بودند. البته ما با رایزنی‌های اجرائی تمام تلاش خود را کردیم فردی در معرض تهدید قرار نگیرد و کاملاً امانت‌دار اطلاعاتی بودیم که در اختیارمان بود. اما به‌هرحال،



نحوه رای‌دادن برخی اعضا بود. ماده ۵ آیین‌نامه داخلی ششورای اسلامی شهر تصریح دارد که:

«عضویت در ششورا قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. هیچ‌یک از اعضای ششورا حق تفویض اختیارات خود را به غیر اعم از عضو یا غیرعضو ندارد».

در جلسه روز سه‌شنبه آقای منشی از پشت صندلی خود برخاسته بود و با یکی دیگر از اعضا در صحن صحبت می‌کرد. خانم منشی برخاست و پشت صندلی او رفت و از رایانه او به‌جای او رای داد! در ماده‌ای دیگر، عضو دیگری پشت صندلی‌اش نبود، باز خانم منشی به همکار کناری او گفت به‌جای آنکه در جای خود ننشسته از طریق رایانه او رای دهد! را رمز ورود به سامانه ثبت آرا را از پشت بلندگو به یکی دیگر از اعضا اعلام کردند!

به نظر می‌رسد از این رویه‌های خلاف قانون در این دوره شورای شهر تهران نباید تعجب کنیم.

بگذریم؛ همان‌طور‌که بارها عرض کرده‌ام، مشکل مدیریت محله، چالش‌های حقوقی آن است. متأسفانه در این نظام‌نامه ن‌تنها به این چالش‌ها توجهی نشده بلکه بر پیچیدگی و حجم مشکلات نیز به‌مراتب افزوده شده است. شهرداری تهران در سنوات گذشته، به دلایل متعددی حاضر نبوده است درباره سراهای محلات مسئولیت بپذیرد. شورای شهر نیز حاضر نبوده با یک سیاست روشن و قاطع درخصوص این موضوع تعیین تکلیف کند. درخصوص این نظام‌نامه نیز به رغم ژست و مدعای اعضای شورا، حاضر به تعیین تکلیف وضعیت حقوقی شورای محله نشده‌اند و عملاً به‌گونه‌ای این طرح را تصویب کردند که بازم هم هیچ مسئولیتی متوجه شهرداری تهران نباشد. در بحث ماده سه، در بند مربوط به بازرس، امانی، عضو شورا، یکی از استدلال‌هایی که در دفاع از پیشنهادش اقامه کرد این مضمون بود که «بازرس، کارمند شهرداری نباشد تا محملی ایجاد نشود که شکایت‌های بیمه و… متوجه شهرداری تهران شود!». پیشنهاد او این بود که بازرس منتخب هیئت امانا باشد. درنهایت هم این پیشنهاد با تغییراتی رای آورد.

با آنچه به تصویب رسیده، به نظر می‌رسد در عمل، مسئولیت حقوقی امور اداری و منابع انسانی سراهای محلات متوجه هیئت امانا خواهد شد. مسئولیت حقوقی اموال و املاک در اختیار سرای محله نیز متوجه امین اموال خواهد شد. هیئت امانا، تقریباً در جایگاه کارفرمای مدیر محله قرار گرفته است؛ چون حکم او را هیئت امانا (احتمالاً دبیر آن) صادر می‌کند. بنابراین پس از این احتمالاً اعضای هیئت امانا، به‌خصوص دبیر آن، در معرض این تهدید هستند که طرف شکایت‌هایی باشند که در مراجع مربوطه در موضوعات حقوق، دستمزد و بیمه، توسط مدیران محلات برکنار شده یا کارکنان سرای محله، طرح دعوا می‌شوند. در دوره‌ای که بنده در ستاد مدیریت محله شهرداری تهران مسئولیت داشتم، بارها محل رجوع مأموران تأمین اجتماعی بودم برای اینکه کد ملی و مشخصات دبیران شوراییاری محلات را در اختیار ایشان بگذارم؛ دقیقاً با همین استدلال که در دوره‌ای نمود، باز اشخاص محلات را این اشخاص صادر کرده بودند. البته ما با رایزنی‌های اجرائی تمام تلاش خود را کردیم فردی در معرض تهدید قرار نگیرد و کاملاً امانت‌دار اطلاعاتی بودیم که در اختیارمان بود. اما به‌هرحال،

درک درست و واقعی

از ام اس

ام اس مرا متوقف نمی‌کند



Iran MS Socity

انجمن مولتیپل اسکلروز ایران

ام اس

راه‌های همیاری با انجمن ام اس ایران:

#۲۲۲۳*۷۸۰*

یا از طریق اپلیکشنهای آپ – تاپ – سکه – باد صبا

تلفن: ۹-۶۶۹۵۳۹۰۷ و ۸-۶۶۹۵۱۱۸۷